

ویژه نامه نقد نمایش «دکتر دوال پا»

منتقدان: سید رضا هاشمی زاده. راضیه ذاکری



کانون منتقدان تئاتر
استان هرمزگان



دارای ۲۴ سال فعالیت نمایشی
کارشناس ارشد هنرهای نمایشی (کارگردانی)
سرپرست گروه تئاتر تیگار
نویسنده، کارگردان، بازیگر، مدرس تئاتر
حضور در جشنواره های متعدد منطقه ای و ملی

نمایش دکتر دوال پا

نویسنده و کارگردان:

مهران محمود زاده دهبارزی

گروه تئاتر سرچک-حاجی آباد

زمان: ۶۰ دقیقه

بازیگران: ابراهیم لشکری، سمانه طهماسب
پورافشار، زهره جوذری، میعاد پور رودباری،
ارشیا امیری توسلی

نورپرداز: محمد جواد حسن زاده

منشی صحنه: محدثه علی محمدی

صدابردار: رضاصادقی

خلاصه نمایش: دکتر دوال پا داستان
انسانهایی است که هر کدام به مدت سه شب،
همزمان، با فردی به همین نام هم بازی و هم
صحبت شده اند. در شب پیش رو در اسکله ی
متروکی که «اجکس» بساط نان پزی دارد و
«دوال پا» شب ها را آن جا می گذرانند، افراد
طبق قراری که با وی داشتند به آنجا می آیند و

...



دکتر
دوال پا

نویسنده و کارگردان
مهران محمود زاده دهبارزی

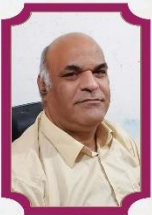
سرپرست گروه تئاتر تیگار
۰۷۷۲۲۲۲۲ - ۰۷۷۲۲۲۲۲
استان هرمزگان



چهارشنبه ۱۹ آبان

ساعت ۱۰ صبح

کانون منتقدان تئاتر
استان هرمزگان
۱۳۹۷

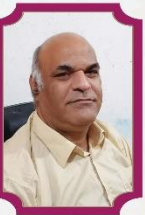


دکتر دوال پا نوشته و کار مهران محمودزاده در آخرین روز جشنواره سی و سوم، نمایش در اولین اجرا به روی صحنه رفت. نمایش برگرفتی از نمایشنامه سه شب با مادوکس ویسنی یک است. در نمایشنامه اصلی مرگ در هیبت مردی وارد شهر کوچک و ساکتی شد و آدم های روایت را در لابی هتلی ملاقات می کند. آنها را به بازی می گیرد و تنهایی، غربت و انزوای آنان را با مصاحبت خود پر می کند.

در نمایش محمودزاده، به جای مردی که رنگ مرگ دارد دوال پا جایگزین شده و محیط روایت به رنگ و روح اقلیم جنوب درآمده است. کل ماجرای نمایش بر روی یک اسکله نزدیک دریا می گذرد. دوال پا در افسانه های ایرانی، سر و شکل عجیب و غریبی دارد و در هر جای ایران به گونه ای توصیف می شود. نیم تنه انسانی دارد با پاهایی پیچنده و تسمه وار که بر گرده افراد سوار می شود و مصداق سماجت و چسبندگی است. دوال پای نمایش محمودزاده سه شب با آدم های قصه اش گذرانده، با آنها تاس بازی کرده و هر کدامشان را به نوعی سرگرم و وابسته خود کرده است. با جوانی که روی اسکله بساط اندکی دارد. از جوانی که روی اسکله دکه خوراکی و نوشیدنی دارد تا زنی که بدنام است و بقیه (یک زن پریشان حال، راننده ای آس و پاس و جوان کارگری که اختلال رفتاری دارد) همه با دکتر دوال پا خاطره مشترکی یافته اند، همه آنان او را همزمان دیده اند، در بازی با او باخته اند، اما وقتی در کنارش بوده اند به آنها خوش گذشته است. دکتر دوال پا تمثیلی از هر چیزی که می تواند انسان امروز را درگیر و گرفتار خود کند است. از پول و امکانات و تکاپو برای بهره مندی های مادی و مالی تا سرگرم شدن به دنیای مجازی این روزگار. آدم هایی که دل افسرده و غمگین و گم کرده راه هستند و عمر گران را به تنهایی، افسوس و دریغ، اندوه و رنج می گذرانند بازنده بازی ای هستند که دوال پای افسونگر راه انداخته است.

مهران محمودزاده با برگرفت سه شب با مادوکس ویسنی یک و انطباق دهی آن با جغرافیایی نزدیک به سرزمین خود کوشیده تا نشان دهد همه آدم های دنیای امروز دوال پای را سرشانه های خود قرار داده و این سو و آن سو می برند. رنگ حضور راننده (سعید حسن زاده) که در نمایش به گویش کرمانی حرف می زند گرم تر از بقیه است و از لحظه ورود او به نمایش، خلق اتفاقات حسی تر می شود.





دوال پا که به استعاره در این نمایش دکتر نام گرفته گویی دستی و نفسی شفابخش و درمانگر برای آدم‌های نمایش دارد که هر کدام در درون خود آشفته، ویران شده، سرگردان و حیران هستند و دنبال راه و مفری که از پیله تنیده شده به دور خود فرار کنند. از این رو هر کدام وعده دوال پا برای سفر به سمتی را به مثابه گریز از موقعیت رنج آور کنونی پذیرفته‌اند.

تماشاگر البته در طی نمایش خیلی نمی‌تواند پس زمینه و گذشته و وضع و حال آدم‌های نمایش را بشناسد و بیشترین تمرکز روایت بر حالی است که سه شب از لحاظ زمانی قلمداد می‌گردد اما می‌تواند سال‌ها رادبرگیرد مثل طول یک زندگی. نمایش در حالی پایان می‌گیرد که بازیگران چراغ به سر دنبال دوال پا می‌گردند و ناگاه خود و دیگران رادر زیر آب می‌یابند جهان سحر شده که هرکس را به گونه‌ای در درون خود فرو می‌بلعد.



عکاس: کیومرث خوش صفت





در این اثر نمایشی ما با فردی افسانه‌ای و خیالی به نام دوال پا مواجه هستیم که از ابتدا تا پایان نمایش هیچ اثر یا نشانه فیزیکی نمی بینیم. و تنها نام اوست که قصه را بخوبی به پیش می برد. این ترفند بخردانه محمودزاده است تا ما وجود آن موجود خیالی را با نبودنش در صحنه نزدیکتر احساس کنیم.

نمایشنامه دکتر دوال پا برگرفته از نمایشنامه ایزورد سه شب با ماد و کس است که کارگردان با انتخاب هوشمندانه نام دوال پا ورژن جدیدی مطابق با فرهنگ و اقلیم منطقه هرمزگان به نمایش می گذارد. دوال پا موجودی با بالاتنه انسانی و پاهای نحیف و دراز که به محض دیدن انسان و با ترفند ناتوانی بر کول او سوار شده و چهل مترپای پنهان برگرفته بر شکمش را مثل تسمه به دور شکار خود می پیچد و تا آخر عمر او را رها نمی کند. دوال پا یکی از باورداشته های کهن است که در بسیاری نواحی ایران رواج داشته است.

دو رکن اصلی نمایش یکی ایده کارگردان که هم در نوشتن متن و هم در کارگردانی نشان دهنده عجز و تنهایی انسان های عصر معاصر است که بازیگران نمایش به خوبی آن را به تماشاگر نشان می دهند. هر کدام از بازیگران با ارائه درست از نقش شان مخاطب را متوجه این پوچ گرایی و رنج انسانی می کنند. رکن دوم شاید همان بحث وابستگی آدم ها به تکنولوژی امروزیست که مانند حصاری همه را در بر گرفته و در لاک تنهایی خود فرو برده است. تا جایی که این دل مشغولی های به ظاهر شیرین و ترس های درونی همه را از هم دور کرده و برده خود می کند. دایره تنهایی انسان را و وسیع تر می نماید. قهوه چی که دائم با خود تاس بازی می کند و همیشه می بازد. زن روسپی که دائما از تنهایی خوابش می برد، راننده که هیچ کس حاضر نیست با ماشین قدیمی و زوار در رفته اش جابجا شود. زن شیرین عقلی که همدمش قفس خالی است و آن جوان که بدلیل اختلالات حرکتی و عقلی کسی حاضر به ارتباط گرفتن با او نیست.

در واقع همه آنها در وضعیتی جبری گیر افتاده اند و منتظر نجات هستند. این نمایش در واقع فرا واقعی و خارج از وضعیت طبیعی است که مهران محمودزاده با بهره گرفتن از فرهنگ و جغرافیا و لهجه محلی آن را به خوبی و به شکل حرفه ایی نشان داده است.





محمودزاده توانسته است درد مشترک آدم‌های نمایش را که همان تنهایی است، با بازیگردانی صحیح هدایت کند. بازی‌ها به خوبی ارائه می‌شود و مخاطب خود را در این فضای رئالیست جادویی می‌بیند و از روی اسکله که دکور نمایش را تشکیل می‌دهد در حالی که پاهای خود را در آب دریا انداخته است به اندیشیدن وا می‌دارد که شاید مرگ در هیئت دوال پا برگرده اش بنشیند و او را رها نکند. محمودزاده در این اثر موفق عمل کرده است.



عکاس: کیومرث خوش صفت





عکاس: کیومرث خوش صفت

